منهای فوتبال

پیشنهادهای اروپایی برای حبیبی

چندی پیش جلسه کمیته فنی فدراسیون هندبال با حضور علیرضا پاکدل رییس فدراسیون، حمیدرضا عزتی سرپرست دبیری و سایر اعضا تشکیل شد و در نهایت علیرضا حبیبی از سمت سرمربیگری تیم ملی کناره گیری کرد. تیم ملی هندبال ایران همراه با علیرضا حبیبی در دو تورنمنت انتخابی المپیک و قهرمانی جام ملت‌های آسیا حضور پیدا کرد که بنا به برخی اتفاقات در هر دو تورنمنت نتوانست عملکرد درخشانی داشته باشد. با توجه به کناره گیری حبیبی از سمت سرمربیگری تیم ملی ایران وی برای ادامه فعالیت حرفه‌ای خود با چند پیشنهاد روبه‌رو شده است. وی که به عنوان مدرس فدراسیون جهانی هم فعالیت می کند، مورد توجه مسئولان هندبال کشورهای کویت، قطر، ترکیه و مقدونیه و چند کشور اروپایی دیگر قرار گرفته است. حبیبی قرار است بعد از کنترل کامل کرونا در کشورهای مختلف نسبت به آینده کاری خود تصمیم گیری کند. به نظر می رسد باید شاهد لژیونر شدن این مربی ایرانی باشیم.

فیاضی در ارومیه می‌ماند؟

پوریا فیاضی، دریافت کننده تیم ملی والیبال ایران پیشنهاد چند تیم از لهستان و ترکیه را رد کرد و تصمیم گرفت تا یک فصل دیگر در شهرداری ارومیه به کار خود ادامه دهد. سایت لهستانی Sportowefakty با اشاره به این اتفاق نوشت: «سال گذشته فیاضی تیم بدزین لهستان را ترک کرد و به کشور خود بازگشت. او برای فصل پیش رو پیشنهاداتی از پلاس لیگا داشت اما آنها را نپذیرفت.» این بازیکن ۲۷ ساله عنوان داشت: «چند روز پیش پیشنهادی از پلاس لیگا به دستم رسید. پیش از این هم پیشنهاد خوبی از لیگ ترکیه داشتم، اما با وجود مشکلاتی که در شهرداری ارومیه وجود داشت، تصمیم گرفتم قرارداد را با این تیم تمدید کنم.» فیاضی در خصوص این مشکلات گفت: «مشکلاتی که به آنها اشاره کردم در رابطه با مسائل مالی و برخی دیگر از موضوعات است اما مدیران باشگاه قول داده‌اند به تعهدات خود عمل کنند تا مشکلات رفع شود.»

پریدر از انتخابات کنار می‌کشد؟

مهلت ۱۰ روزه ثبت‌نام مجمع انتخاباتی شطرنج به پایان رسید و نخستین کاندیدایی که برای حضور در مجمع ثبت‌نام کرد کسی نبود جز شادی پریدر؛ او که نخستین بانوی شطرنج‌باز ایرانی است که به درجه استاد بزرگی بانوان دست پیدا کرده، پست نایب رییسی بانوان فدراسیون شطرنج و عضویت در کمیسیون بانوان فدراسیون جهانی شطرنج را عهده‌دار است. با توجه به حساسیت انتخابات و رعایت عدالت و شرایط برابر همه کاندیداها پیش‌بینی می‌شود مدیریت فعلی فدراسیون از پریدر بخواهد از پست نایب رییسی خود انصراف دهد تا از بروز هر نوع اتهام مهندسی انتخابات یا جانبداری از کاندیدایی خاص جلوگیری کنند. در پایان مهلت نام‌نویسی، ۹ کاندیدا برای شرکت در مجمع انتخاباتی شطرنج ثبت‌نام کرده‌اند. پیش از این هم مهرداد پهلوان‌زاده ریاست این فدراسیون را بر عهده داشت که در این دوره کاندید نشد.

واکنش به مسافرکشی ملی‌پوش تکواندو

آرش فرهادیان رییس سازمان تیم‌های ملی تکواندو در واکنش به گزارشی که از تلویزیون درباره مسافرکشی سروش احمدی ملی‌پوش و مدال‌آور ایران پخش شد، عنوان داشت: «این فیلم را خود سروش برای من فرستاد. اعتقاد دارم ورزشکاران شغلی به جز ورزش ندارند و تنها منبع درآمدشان همین حوزه به شمار می‌رود. حق دارند اگر ناراحت باشند و به خاطر نبود درآمد کافی مجبور شوند به شغل دیگری هم بپردازند اما این سوال را مطرح می کنم؛ فدراسیون‌ها با توجه به بودجه محدودی که دارند، چقدر می‌توانند به ورزشکاران کمک کنند؟ وزارت ورزش صندوقی به نام صندوق حمایت از قهرمانان را راه‌اندازی کرده و این حمایت در حوزه کاری آن صندوق است.» فرهادیان گفت: «به احمدی و امثال او حق می‌دهم چون تامین مخارج زندگی سخت شده اما نمی‌دانم چه راهکاری برای حل مشکلات این چنینی وجود دارد. امیدوارم با توجه به محدودیت‌های مالی فدراسیون، کمیته ملی المپیک و وزارت ورزش برای کمک به این ورزشکاران پا پیش بگذارند.»

شما یک «برنده» نیستید آقای کاپیتان

مسعود بودن؛ محبوب نبودن!

مسعود شجاعی برای تبدیل شدن به یک فوتبالیست «محبوب» همه چیز داشته اما هرگز نتوانسته قلب هواداران فوتبال ایران را تسخیر کند. او یکی از دو ایرانی تاریخ لالیگا بوده، سال‌ها در تیم ملی توپ زده، از تکنیک خوبی برخوردار بوده و این اواخر بازوبند کاپیتانی تیم ملی را نیز به دست آورده است. حتی یکی از این موارد، می توانند محبوبیت فوق‌العاده‌ای برای یک ستاره رقم بزنند اما دلیل فاصله‌ای که همیشه میان شجاعی و هواداران فوتبال وجود داشته را باید در نامه آخر او جست‌وجو کرد. نامه‌ای که نشان می‌دهد او بر خلاف همه شعارها، خودش را از جریان جامعه جدا می‌داند.

آریا رهنورد

کاپیتان‌هایی که زنوزی برای بردن‌شان به تبریز دست به هزینه‌ای سرسام‌آور زده، یکی یکی پشت تراکتور را خالی می کنند. اول از همه نوبت اشکان دژاگه بود که از بازگشت به ایران و حضور در جلسه‌های تمرینی تراکتور انصراف بدهد و پس از آن نیز، مسعود شجاعی با انتشار نامه‌ای خواهان تعطیلی مسابقه‌ها شده است. ظاهرا این بازیکنان که قراردادهایی سنگین و نجومی هم دارند، رفیق روزهای خوب فوتبال ایران هستند و همین که دری به تخته بخورد و اوضاع کمی نامساعد شود، فرار را بر قرار ترجیح می‌دهند. مسعود شجاعی همان فوتبالیستی است که با اظهارنظرهای اجتماعی و اشاره‌اش به اختلاف طبقاتی، سعی کرده تا خودش را «مردمی» نشان بدهد اما حالا با این بیانیه سراسر ایراد و اشکال، دقیقا همین «تضاد» را پررنگ‌تر کرده است. اصلا او به عنوان یک بازیکن در یک تیم لیگ برتری، چرا خودش را در جایگاه بیانیه نوشتن می‌بیند؟ چه کسی به او اجازه داده تا خودش را سخنگوی بازیکنان فوتبال بداند؟ اصلا در بین مهره‌هایی که این روزها برای بازگشت لیگ به سختی تمرین می کنند، چند نفر با مسعود خان هم نظر هستند؟ شجاعی نه نماینده جامعه فوتبال و نه نماینده بازیکنان لیگ برتر است. او تنها به عنوان نماینده زنوزی اظهارنظر کرده و نباید انتظار داشته باشد که با این مهملات، مورد دستایش هم قرار بگیرد. از کاپیتان تیم ملی، چند سوال مهم هم داریم. اینکه فرمول او برای تعطیلی لیگ برتر چیست؟ اگر لیگ نوزدهم برگزار نشود و در پاییز پیک کرونا دوباره به اوج برسد، چه سرنوشتی در انتظار فوتبال ایران خواهد بود؟ چهار باشگاه ایرانی حاضر در لیگ قهرمانان آسیا، چطور باید بدون مسابقه خودشان را برای ادامه آن تورنمنت آماده کنند؟ اگر لیگ برتر چندین ماه دیگر تعطیل شود، تیم ملی چطور از آمادگی لازم برای برگزاری دیدارهای بعدی‌اش در مرحله مقدماتی جام جهانی برخوردار خواهد شد؟ همان تیمی که با اخراج بچگانه کاپیتان مسعود روبه‌روی عراق، به وضعیتی دچار شد که حالا شانس‌های صعودش برای رسیدن به جام جهانی، بسیار کم به نظر برسند.

خیلی‌ها در این فوتبال، هرگز به استحقاق واقعی‌شان نرسیدند اما مسعود، همیشه چیزهایی بیشتر از توانایی‌هایش به دست آورد. او در حالی که هنوز در اوج جوانی به سر می‌برد، به اردوی تیم ملی برای جام جهانی ۲۰۰۶ دعوت شد. مسعود اولین جام جهانی‌اش را در حالی تجربه کرد که هنوز در فوتبال ایران یک ستاره تثبیت‌شده نبود. او در رده باشگاهی، چند فصل در سطح اول فوتبال اسپانیا توپ زده و در رده ملی نیز برای مربیان مختلفی بازی کرد اما تقریبا می‌توان گفت که این هافبک فانتزی، در هیچ مقطعی نتوانست اعتماد همه جانبه طرفداران تیم ملی را به دست بیاورد. مهره نیمکت‌نشین تیم برانکو، ستاره اول تیم علی دایی بود اما آن تیم به رهبری شجاعی، تنها ناکامی کاشت و شکست درو کرد. مدتی بعد، همه انتظار داشتند این فوتبالیست ایران را به قهرمانی جام ملت‌ها برساند اما در جام ملت‌های دوحه، شجاعی فراتر از فاجعه بود و عملا هیچ نقش مثبتی در تیم ملی نداشت. او در دوران کی‌روش به یک مهره بدون تغییر در تیم ملی تبدیل شد اما گاهی آنقدر ضعیف بود که حتی در استادیوم آزادی، هواداران تیم ملی از خجالتش درآمدند. پایان دوران کی‌روش می‌توانست به معنای پایان دوران ملی مسعود باشد اما او که ظاهرا همیشه مقابل بازنشستگی گارد دارد، به بازی کردن در تیم مارک ویلموتس هم ادامه داد. شاید در فوتبال ایران هیچ کس به اندازه شجاعی به تیم ویلموتس ضربه نزد. بازیکنی که با یک اخراج بی‌موقع و کودکانه، تیم ملی را با یک شکست دردناک روبه‌رو کرد. مسعود شجاعی در همه این سال‌ها عضو تیم ملی بوده اما هیچ‌وقت به یک تکیه‌گاه برای این تیم تبدیل نشده است. در رده ملی هر وقت به او تکیه کرده‌ایم، طعم شکست و ناکامی را چشیده‌ایم. درست به همین دلیل است که او هیچ‌وقت به اندازه شهرتش، محبوب نمی‌شود.

مسعود شجاعی در همه این سال‌ها عضو تیم ملی بوده اما هیچ‌وقت به یک تکیه‌گاه برای این تیم تبدیل نشده است. در رده ملی هر وقت به او تکیه کرده‌ایم، طعم شکست و ناکامی را چشیده‌ایم. درست به همین دلیل است که او هیچ‌وقت به اندازه شهرتش، محبوب نمی‌شود

وقتی همه به او اصرار می کنند، از تیم ملی کنار نمی کشد و وقتی همه در حال اصرار برای بازگشت مسابقه‌های لیگ هستند، او دوست دارد فوتبال ایران را به تعطیلی بکشاند. مسعود شجاعی را با همین سازهای مخالف شناخته‌ایم. انتقادهای اجتماعی او را هم دیگر نباید چندان جدی گرفت. بازیکنی که این چنین سرنوشت خودش را جدا از راننده اتوبوس، کارگر و دیگران می‌بیند، بهتر است دست به اعتراض نزند و به «تافته جدا بافته» بودن ادامه بدهد.

سوژه روز

چرا مدیران فوتبال ایران، امضای قرارداد را بلد نیستند؟

یک ماشین حساب لطفا!

آریا طاری

جدا از همه ابهامات پرشمار موجود در قرارداد مارک ویلموتس، یک حقیقت انکارنشدنی در فوتبال ایران وجود دارد و آن ناتوانی محض در امضای قرارداد خوب و منطقی در چارچوب قانون با یک مربی خارجی است. ما اساسا در مواجهه با خارجی‌ها، خودمان را می‌بازیم و در قراردادها، فاجعه خلق می کنیم. برای این اتفاق، دلایل زیادی وجود دارد. دلایلی که به صورت زنجیروار، فوتبال ایران را به این وضعیت کشانده‌اند.

فریب‌خوردگان جدول

همین یک هفته پیش، مهدی تاج در استودیوی فوتبال برتر ادعا کرد که مارک ویلموتس در زمان عقد قرارداد با تیم ملی ایران، «مربی نوزدهم» جهان بوده است. موضوعی که نشان می‌دهد شخص رییس سابق فدراسیون فوتبال، حتی آشنایی حداقلی با اصول فوتبال ندارد. اولا که اصلا چیزی به نام مربی نوزدهم دنیا وجود ندارد. چرا که در آن فهرست خبری از کلوپ و گواردیولا نبوده است. ویلموتس بر اساس جدولی که فدراسیون بین‌المللی تاریخ و آمار به عنوان یک نهاد کاملا نامعتبر و سلیقه‌ای در سال ۲۰۱۹ منتشر کرده بود، نوزدهمین مربی «رده ملی» در دنیا بود. جالب اینکه در همان فهرست، سرمربی تیم ملی ماداگاسکار در رده‌ای بالاتر از ویلموتس دیده می‌شد. پس اگر واقعا این جدول معیار پرداخت آن رقم سنگین به ویلموتس بوده باشد، باید فاتحه‌ای برای منطق در فدراسیون فوتبال بخوانیم!

تسلیم‌شوندگان فشار

فدراسیون فوتبال ایران اساسا هرگز زیر فشار دوام نمی‌آورد. این موضوع برای مدیران باشگاهی نیز صدق می کند. درست قبل از ویلموتس، ما بهترین موقعیت برای جذب هروه رنار را داشتیم اما این مربی، کمی زمان خواست تا جام ملت‌های آفریقا را به پایان برساند. فدراسیون اما زیر فشار بود تا هرچه سریع‌تر سرمربی جدید را انتخاب کند. تاوان این عجله باورنکردنی، امضای قرارداد با مارک ویلموتس شد. یک انتخاب فاجعه‌بار که فوتبال ایران را از جمیع جهات زیر سوال برد. پس اگر کمی و فقط کمی زیر فشار دوام می‌آوردیم و برای انتخاب مربی عجله به خرج نمی‌دادیم، امروز وضع‌مان اینطور نبود و حالا در شرایط به مراتب ایده‌آل‌تری قرار داشتیم.

بی‌خبری از فوتبال روز دنیا

اساسا مدیران فوتبال ما چندان علاقه‌ای به پیگیری فوتبال روز دنیا ندارند و شاید حتی رنگ لباس منچستریونایتد و بارسلونا را هم ندانند! طبیعتا با این حجم از بی‌خبری درباره مسائل روز دنیا، طبیعی به نظر می‌رسد که فی بازار هم دست‌مان نباشد و ندانیم که نباید به یک مربی در قواره‌های ویلموتس، ۲,۲ میلیون یورو پول بدهیم. اگر مدیران فوتبال ایران کمی بیشتر با این اعداد و ارقام آشنا شوند و لااقل به جای «تجار شکر» از کارشناسان واقعی فوتبال در زمان امضای قرارداد استفاده کنند، چنین فاجعه‌هایی دیگر تکرار نخواهد شد. با این حال همه می‌دانیم که این اتفاق، دوباره رخ می‌دهد و بدون تردید، این موضوع دوباره گریبان فوتبال ایران را می‌گیرد. مدیران ما به طور کلی آشنایی چندانی با قیمت‌های روز هم ندارند. به همین خاطر ادعا می کنند که حتی می‌توانند زیدان و مورینیو را به ایران بیاورند! این حجم از بی‌اطلاعی و ناآگاهی در نوع خودش حیرت‌انگیز به نظر می‌رسد.

رزومه‌نشناس‌ها

اساسا در فوتبال ایران، مدیران نگاهی کاملا سطحی به مساله مهم «رزومه» دارند. یعنی به جای بررسی دقیق رزومه یک مربی، به همان «ویکی‌پدیا» استناد می کنند. آن هم در شرایطی که آمار درج‌شده در ویکی‌پدیا، ممکن است درست نباشد. برای مثال ممکن است در ویکی‌پدیا از ویلموتس به عنوان معمار نسل جدید فوتبال بلژیک نام ببرند اما خود بلژیکی‌ها چنین ادعایی را نمی‌پذیرند. چون این نسل جدید در آکادمی‌های این کشور ساخته شده است. در نتیجه، مدیران فوتبال ایران به همین سادگی فریب جملات بزرگ را می‌خورند. آن هم در شرایطی که راه‌های بسیار دقیق‌تر و عمیق‌تری برای بررسی رزومه یک مربی و تحقیق کردن در مورد او وجود دارد.

موضع پایین

مدیران فوتبال ایران از زمان شروع مذاکره با یک مربی خارجی، دائما در هراس از دست دادن او هستند. به همین خاطر است که کاملا از موضع پایین وارد داستان قرارداد می‌شوند. گاهی اوضاع چنان تغییر می کند که انگار مربی در نقش کارفرما قرار گرفته و فدراسیون، کارمند اوست! وقتی با همه شرط‌های یک مربی موافقت می کند و پول بادیگاردش را هم می‌دهیم، طبیعی است که دیگر سنگ روی سنگ بند نشود. اگر فدراسیون و مدیران فوتبالی کمی اقتدار بیشتر از خودشان نشان بدهند، فوتبال هرگز به چنین منجلابی دچار نمی‌شود.

توصیه از بالا

این هم یکی دیگر از مشکلات بزرگ فوتبال ایران است. وقتی تیم مربی سرمربی ندارد، همه نهادها احساس وظیفه می کنند که به آن سرمربی معرفی کنند. از تک‌تک سفارتخانه‌ها تا انجمن‌های تجاری که یک پای‌شان در ایران و پای دیگرشان در اروپا قرار گرفته است. این وسط اگر وزارت ورزش هم نامه‌ای را به فدراسیون پاراف کند، اوضاع دشوار و دشوارتر نیز می‌شود. طبعا اگر فدراسیون تا این اندازه توصیه‌پذیر نباشد، قراردادهای ایده‌آل‌تری را به امضا می‌رساند و در چنین بحران بزرگی قرار نمی‌گیرد.

اتفاق روز

کریس و رفقا برگشتند اما...

به صفر - صفر عادت کنید!

فوتبال ایتالیا هم بالاخره پس از مدت‌ها با دیدار نیمه‌نهایی کوپا ایتالیا بین یووه و میلان به زندگی برگشت. جدالی که با تساوی بدون گل به پایان رسید و به لحاظ کیفیت، قابل مقایسه با روزهای قبل از کرونا نبود. طبیعی به نظر می‌رسد که تیم‌ها برای رسیدن به فرم مطلوب، هنوز به زمان بیشتری نیاز دارند. به ویژه تیمی مثل یووه که چند ستاره اصلی‌اش با ویروس کرونا دست و پنجه نرم کردند و دور از تمرین بودند، نیازمند زمان بیشتری برای بازگشت به سطح اولیه‌اش خواهد بود. آن چه در بازگشت فوتبال اتفاق افتاد، بیشتر از همه توانایی‌های خارق‌العاده آلمانی‌ها در نظم و سازماندهی را به نمایش گذاشت. جالب اینجاست که به جز دوندگی مجموع تیم‌ها که نسبت به دوران قبل از شیوع ویروس کمی کم‌تر شده، سایر فاکتورهای بدنی در بوندس لیگا به هیچ وجه افت نکرده‌اند. جالب اینکه شرایط بدنی تیم‌ها در این چند هفته نسبت به هفته‌های ابتدایی این فصل، بهتر شده‌اند. موضوعی که نشان می‌دهد تیم‌های آلمانی به لحاظ فیزیکی، در سطح قابل قبولی قرار دادند. این برتری می‌تواند در لیگ قهرمانان نیز به شدت به سود آلمانی‌ها تمام شود و باشگاهی مثل بایرن مونیخ را در مسیر قهرمانی لیگ قهرمانان قرار بدهد. در ایتالیا اما اوضاع به همین خوبی نیست و سطح نمایش دو تیم میلان و یووه، نشان می‌دهد که ایتالیایی‌ها هنوز نیاز به انجام کارهای بیشتری دارند. البته که در این مسابقه هم یووه عملکرد به مراتب بهتری از میلان داشت اما نتوانست از موقعیت‌هایش به درستی استفاده کند. با این حال به نظر می‌رسد ایتالیایی‌ها نسبت به آلمانی‌ها، کار سخت‌تری برای رسیدن به فرم آرمانی در پیش دارند.

اتفاق عجیب دیدار یووه و میلان، از دست رفتن پنالتی کریس رونالدو بود. جالب است بدانید این ستاره از نوامبر ۲۰۱۷ تنها چهار ضربه پنالتی را از دست داده است. یکی از این ضربه‌ها نیز روبه‌روی تیم ملی ایران رقم خورده و علیرضا بیرانوند، یکی از چهار گلری است که در چهار سال گذشته، توانسته دروازه‌اش را روبه‌روی ضربه رونالدو بسته نگه دارد. بازگشت از دوران قرنطینه برای کریستیانو فعلا چندان خوش‌یمن نبوده است. او در پایان مسابقه نیز به شدت عصبانی بود و حاضر به دست دادن با پاکتا نشد. کریس قرنطینه را در مادیرا آغاز کرد و سپس در هفته‌های گذشته به تورین برگشت تا در جلسه‌های تمرینی بیانکونری شرکت کند. او در اولین بازی موفق به زدن گل نشده اما با یووه به فینال کوپا ایتالیا صعود کرده و فرصت بردن یک جام دیگر در فوتبال ایتالیا را خواهد داشت. زمزمه‌هایی نیز در مورد جدایی او از یوونتوس در پایان این فصل به گوش می‌رسند. زمزمه‌هایی که لیگ آمریکا را به عنوان مقصد بعدی اعجوبه پرتغالی مطرح می کنند. به زودی با بازگشت همه لیگ‌های معتبر اروپایی، لیگ قهرمانان اروپا نیز کلید می‌خورد. قرار است ادامه مسابقات این تورنمنت به صورت تک مسابقه برگزار شوند و به احتمال زیاد شهر لیسبون، میزبان بخشی از دیدارهای مهم باقی مانده از این جام خواهد بود. فوتبال دوباره در اروپا زنده شده اما زمان زیادی طول می کشد تا همه چیز، به همان روال سابق برگردد.